گفتوگوبامحمودصادقی،مینروب

ترکشیبر رگ بینایی

دیانامهرنیا روزنامه نگار

السربر گرداندم. تاآمدم فریادبرنم که علی نزن،

ریه صفحه مین خور دومنفجر شد.» ۱۱ فروردین ۹۰ بود. محمود و علی در یکی از

ىيدانھاىمىن دھلران در منطقە «چىلات» كار

محمود سرپرست تیم بود. «علی که تازه به ما

ملحق شُده بوُد همراهم بود. زمینی که در اُن کار می کردیم شیب تندی داشت. کار در آن ارتفاع

قرار بوُد اول بالای ارتفاع را پاکســازی کنند ،

بعدبروند پایین و مینهایی که ممکن است غلت خورده باشـند، را پیدا کنند. اما در آن روز بهاری سرنوشت چیز دیگری بر پیشانی آنها نوشته بود.

سروست پیر رسال بر پیسایی به توسه چیزی که هنوز در شقیقه چپ محمود صادقی دیده می شــود. «علــی درحال حفــاری بوداما ۱۰ سانت بیشــــتر از آنچه لازم بود را کند، من به

پشت ســر نگاه می کردم که ببینم چه باید کرد. سرم را که برگرداندم...»

شُانُس أَوردنُد که ترکش به چشمشان نرفت، امادنیا پیش چشمانشان تیره و تار شد. فقط موج

سادنیاییس چسمست میروو دار سد فقط موج و غبار و خاک بود. جایی را نمی دیدند، دستان هم راگرفتندوروی مین نشستند. هیچمهایی که دور تر بودنداز ما آمدندومسیری ایمن درست کردند تا پزشکیار آمد، ما را منتقل کردندبه بیمارستان دهلران»

از ۲۵ اسفند تا ۲۰ فروردین تعطیل بودند اما این یار قرار بود پروژه زودتر انجام شود.

نو شب بستری بود، ۱۳ فروردین مرخص شد.

على رضايي هم ۴۸ ساعتُ بُعُداز او براي ادامه

ترسیب سور ربت. چشمانش آسیب دید. محمود حالا که بعد از چهار سال یاد آن انفجار را مرور می کند، دست

مىبردروى پيشانى و آن تركش يادگارى را كه اندازه عدس است لمس مى كند « هې گ

می در دری پیشسایی و ان بر دش یاد داری را نه اندازه عدس است لمس می کنید. «روی رگ بینایی است بر نشکان گفتند هیچ تضمینی نیست که عمل شـوی و بینایی ات را از دست ندهی من هم ریسک نکردم.»

در آن اتفجار، شن و ماسدها که به شمان شان فرو رفت و به بیناییشان آسیب

رساندامادرنهایت کمیسیون تعیین درصد فقط ۵درصد جانبازی برایشان درنظر گرفت. «مثل یکی از همکاران که هنوز نمی تواندیک ساعت

۔ یی رہ ۔ روی پایش بایستد یا مسافتی بدون در دراہ برود، ولی ۵درصد جانبازی گرفته چون پایش در این

درمان به اهواز رفت.

حادثهقطعنشدم»

مىشوند

بپردازد.

روزهایی که هسوای ایلام پر

از ریز گرد باشد چشمهای

محمود قرمز می شـود و خود را در خانـه یا محل کار حبس

می کند. او تحمل نور آفتاب را هم ندارد. چشمها کاسه خون

۔ پزشکان کمیسیون گفتند

که چون ترکش روی شقیقه

از جنس فلز نیست فقط یک جسم خارجی تلقی می شود.

صادقـــی میگویــد «اگر به مسائل مین آشنا بودند، باید میدانستند که در

مین ضد نفر فلزی به کار نمی رود، به جز سوزن و چاشــنی که آنها هــم در لحظــه انفجار ذوب میشــوند. حتی در انفجار مینهای ضد تاتک

هم شدّت و موج انفجار باُعث قطع پامی شود، نه ترکش فلزی.» ۹۰ در صداز هزینه های درمان

اولیهُ را مرکزُ مین زدایسی پرداخت، اماحالاً هم که روند درمان ادامه دارد باید هزینه ها را خود

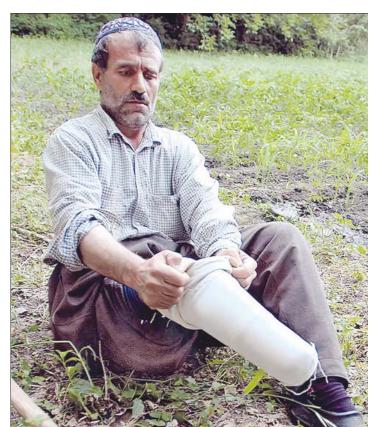
. بحُمود در سال ۸۰ شغل مینروبی راانتخاب محمود در سال ۸۰ سعی میں رویی رسد ب کرد، بعداز تمام شدن خدمت سربازی دنبال کار می گشت که با گروه پروژه لرزهنگاری در دشتعباس آشناشد.

ست هیاس است سد. ماههــای اول بــه کار دفتری مشــغول بوداما

کم کے اور میں ہو بیابان زد. مین روسی را به تجربه آموخت اما وقتی در سال ۸۸ آیین نامه

دوره آموزشـــى ابلاغ شــد در اهواز آموزش ديد و





از یک کنگره برگزار نکردند. نخریب چی ها چه ٌ آموزشــی بــرای ورود به ميدان مين مىبينند؟ آيا بروز حادثه در میدان مین طبیعی است؟

در میدان مین همیشه اتفاق میافتد و چندان ارتباطی با آموزش ها ندارد. تمام تخریب چی ها آموزش می بینند و باید دارای مدرک

معتبر از مرکز مین دایی باشند. به هسر حسال، کار در میسدان مین براس استانداردهایی انجام می شود. مثلا بیش از ساعت معین و در زمان خستگی و گرما ادامه فعالیت ممنوع است، ولی من با برخی از مصدومان صحبت کردهام که در اوج خستگی و گرماً یا در زمان بر گشت به کمپ دچار حادثه

شدهاند. آیا نظار تی بر این کار نمی شود؟ استاندارد بينالمللي مركز مينزدايي وجود دارد و نهاد ملی مین آن را بومی سازی کرده و تمامی شركتها و يگان هاى پاكسازى موظف به اجراى آن هســتند. مانند تمام فعالیتهایی که در کشــور وجود دارد، امکان دارد بعضي ها استاندارد را رعايت نکننے۔ مانند همان زمان کاری کے معمولا هر ۲۰ دقيقه افراد بايد جابه جا شوند كه ممكن است اين کار انجام نشود.

کرمی خودش یک پسر دو سال و نیمه دارد.» روز

اول زيــان محمد بند أمده بود. به هــوش که أمد به

پُدرشٌ گفته بود فقط لحظــهٔای را به خاطر می آورد

که از تــرس انفجار فرار می کرد. مــادر محمد در آن

روز شَاهد انفجار بُوده، اما تُوان انجام دادن هَيچ

ترکش به جامانده. پزشکان گفتند ممکن است خارج کردن ترکش از چشم خطرناک باشد. برخی هــم گفتند باید این ترکــش را بیــرون بیاورند، اما پدر محمــد می گوید: «می ترســم چاقوی جراحی به ایسن ترکش بخسورد و اوضاع بدتر شسود، خیلی می ترسم.» او از وزیر بهداشت هم تقاضا کرده بود که چشم پســرش را معاینه کند، اما کسی صدایش را نشنید. امین کرمی هم که تخریب چی است. دوسال پیش در چزابه دچار حادثه شد. او می گوید خیلی از دوستانش جلوی چشمش تکهتکه شدند. یکی را در اثر انفجار مین، چشــم چپش ۴٫۵ درصد بینایی را از دست داده. گوشهایش آسیب دیدهاند و مدام سر درد می گیرد «آنقدر که اگر نخوایم، به حد جنــون درد خواهــم داشــت. دوا و درمان هم کرمی نگران بچههای کنجان چم است. مو «خانوادههــا نمی توانند به بچه ها , ســیدگی کنند. آنها ازُ همه لحـاظُ در تنگنا قرار داُرنــد.» بچههای كنجان چــم ايلام تنهـا كودكاني نبودنــد كه دچار

ری از آن انفجــار، بالای چشــم راســه

نظار تىنيست؟

کاری انداشت

کار تا خاتمه آن ناظر باید حضور داشته باشد

نه، در پاکسازی نوین که از سال ۸۳ شروع شد، تمام وسایل جدید از خارج وارد شــد و مقداری تجهیزات حفاظت فردی هـم در ایران تولید شـد که کیفیت

نه اصلاار تباطی به این کنوانسیون ندار د. پیمان اتاوا ـت. ما هماکنون می توانیم در برنامه های اختياري اس مرکز بین المللی مین زدایی بشر دوستانه که در ژنو برگزار می شود، شرکت کنیم و منعی برای حضور ما وجود ندارد. اگر تعداد دیدارها و بازدیدها هم کم

حادثه شدند. قبل از این بارها و بارها مین و مواد

منفجره باقیمانده از جنگ در پنج استان مرزی

كردستان، خوزستان، أذربايجان غربي، كرمانشاه و

ایلام جان چند نفر از بچهها را گرفته. بعد از این هم باز صدای انفجار شنیده شد.

ُسال ۹۴ با خُبر مرگ آرزو طهمور ثمنش، دختر چوپان ۱۷ساله اهل قصر شیرین، در روز دهم

فروردین آغاز شد در همین روز پای گروهبان یکم پوریا نصیری در پاسگاه میشیاو در سقز بر اثر انفجار

بُر خــی معتقدنُد تجهیزاُ تُــی که مــا در ایران بر سے مصطنعہ دیں۔ استفادہ می کنیہ قدیمے است یا مطابق تجھیزات روز دنیا نیست. آیا این طور است ؟

نه، تحریمها تأثیری نداشته است. در رابطه با پاکسازی، اگر وسیلهای امسکان استفاده دوگانه داشته، تحویل داده نشده است که فقط شامل هم ر. تجهیزات با کاربر د دو گانه بوده است.

آیا پیوستُن ما به پیمان اتاوا در برخورداری یشتر از تجهیزات و حضور بینالمللی مان موثر

ست، به این دلیل است که نهاد مین یک نهاد نظامی

هیچ فعالیتی بدون ناظر انجام نمی گیرد. از ش نمي گرفت.

صُّ اُل در روز «آگاهی از خطرات مین» پیاه خوبی دارند. آیا تحریمها تأثیری بر روند پاکسازی داشته

اگوشزد کنیم. ولى از بهمنماه سال گذشته تا ١٥ فروردين

ز ز کشــور دارد. نهاد ملی مین اگر زیرمجموعه وزارت دَفاع نبودٌ، بــا رويكردهاي امنيتي تَحْتالشَعاعُ قُرار

از جانب مسئولان اعلام نشد، در حالی که . ــال گذشـــته رئیس جمهوری در این روز پیام داد، فكر مى كنيد دليل سكوت امسال چه بود؟ برای ما هــم تعجببرانگیز بود. شــاید به این دلیل ود که جشن پاکسازی همه استانها را برگزار کنیم. سال قبل آقای رئیسی، جانشین مرکز مین زدایی اعلام کرد ۹۹ در صد مناطق پاکسازی شده است. پس وقتی پاکسازی شدہ باشد، ضرور تی نمی بینیم خطر

۹۴ شــاهد حوادث متعدد انفجار مین و کش وزخمی شدن افراد نظامی و شهروندان عادی

بهطور دقیق همین طور است. حداقل آموزش های مربوط به مصون ماندن از ُخطر مین باید ادامه داشته ر. ر. باشــد تا شــهروندان از خطرات مین آگاه شــوند. در ۱۵ روز اول سال جاری پنج نفر نظامی و یک شهروند براثر انفجار مین کشته شدند.

گفته می شود بخشی از مینهای کاشته شده

از این هم در نهم فروردین، سرباز، جبار همتی در

پاسگاه میشیاو مجروح شد. در سالی که گذشت، از

پ ۶۷ نفری که دچار حادثه انفجار مین و مواد منفجره

شدند، ۱۵ نفر جان دادند و بقیه زخمی شدند. ۳۳ نفر از مجروحان و ۱۲ نفر از کشته ها شهروند

عادی بُودُند. دُرِ آذَر ۹۳ انفجار گلولهای در روستاُی گاگل باعث خانهنشینی کوسار شد. او ماههاست که

کردستان و آذربایجانغربی را دولت ایران به منظو حفاظت از پایگاههای دولتی کاشــته که مقدارشان ناچیز است. ابعاد میدان مین حفاظتی خیلی کم ـور د از این گونه حوادث در ولىچندم همين پايگاه ها اتفاق افتاد. آيا بعداز پايان

در زمینهای آلوده رانیروهای خودی کاشتند آیا این درست است؟ این مین ها در کدام

۹۸ درصـد مینهای موجـود در ایران را دشــم کاشــته و بخشــی از مینهای باقیمانــده بهویژه در

ي يى مناطق كأشته شد؟

جنگ این مناطق پاکسازی نشد؟ اگر چه این مناطق پاکسازی شده، ولی می توان گفت به خوبی پاکسازی نشده است یا جریانات جوی بر آن تأثیر گذاشته و باعث جابهجایی زمین شده

آيادرست است كه عراق هيچ وقت نقشههاي میدان های مین را به ایران نداده است؟

ت است. صدام بعد از جنگ از دادن نقشه خودداری کرد و بعداز سقوط او هم دولت جدید اعلام کرد چیزی در اختیار ندارد. شاید هم این در س باشد، چون در جریان جنگ داخلی خیلی چیزها در عسراق از بین رفت. هرچند اگر حالا هم نقشــه ها را می دادند، چندان کار آیی نداشت، چون جریانات جوی باعث جابه جایی و تغییرات زیادی شده است. بدون داشتن نقشه، چطور میدان های مین را

شناساییمیکنید؟ مناطـق آلـوده دو بخـش هســتند. جاهایی که تحت تأثير و در تصرف بوده كه معلوم است. مناطق دیگر هم با اُستفاده از شواُهد دیگر مانند بقایای مین و اطلاعاتی که از جنگ باقی مانده است، شناسایی می شوند. در جُاهایی هم که چنین شواهدی موجود نباشد، طبق اســـتاندار دها اقدام به شناسایی

در مواردی مین و مهمات داخل شهرها منفجر شده است، برای نمونه، چند سال پیش در «سریل ذهاب» در کنار بیمارستان انفجاری اتفاق افتاد و چهار کودک کشته شدند.

اشــتباه اصلــی در اطلاع رســانی اســت و ایــن که افــراد غیر کارشــناس اظهار نظر غیرواقعــی می کنند، تقصیری هم ندارند. در این حـُوادث معمولا مهمات باقیمانده از جنگ حادثه می آفریند و نه مین، یکی از . بی رید دلایل آن، دخالتهای انســانی اســت. برخی افراد این اجسام خطرناک را به ضایعات فروشــی می دهند یا در جایی دیگــرُ می|نُدازند و جابهجـُـا می کنند که این ام . بی بی از کی اگر در ست اطلاع رسانی شود، این حادثه آفرین است. اگر در ست اطلاع رسانی شود، این

مشكلات كمتر مى شود. سایت مرکز مین دایی خیلی دیربهدیر بهروز میشـود و اخبار زیادی در آن منتشـر نمیشود در حالی که وبلاگ شــما، «میـن و زندگی» و دیگر وبلاگهای مربوط به مین و آگاهــی از خطرات آن اخبار مربوط به هر حادثهای را پوشــش می دهند چرا این وبلاگ را راهاندازی کردید. این ایده از کجا

مهرماه سال ۸۶ بعد از شهادت اصغر خراسانی یکی از خنثی کنندگان مین متوجه شــدم که کسی به این خ توجهي نكر دبه همين دليل تصميم گرفتم مطلبي درباره ىبر شهادت بنويسم و منتشــر كنم. پيش از آن چندان مبر به ایسن کار وار دنبودم، اما به تدریج این وبلاگ ها شسکل

حرفهای ومستمر گرفت. در طُـول سـالهای فعالیت تـان بهعنـوان تخریبچــی و ناظر، به موارد عجیــب و جالبی هم برخور دهاید؟

رر. در شلمچه مشغول پاکســـازی بودیم. به مین ض قمقمهای(که خیلی خطرناک است)برخوردیم که کبکی کنارش لانه درست کرده و تخم گذاشته بود.

سُـــال ۹۰ هُم افرادی از منطقه شیخ سُله در کرمانشاه به ما اطلاع دادند که هشــت گلوله موشــک کاتیوشا در یک خانه پیدا کردماند. گلولهها را در سقف و بالای ستون گذاشته بودند، در همانجا هم در ایوان خانه آتش روشن مى كردند.مر كزمين زدايي اين خانه را خريدو گلوله هارااز نجاخارج كرديم

پذیرُش این شغل آسان نبود بعدها که از دواج کرداین سختی بیشتر شد ۲۲روز کار در مناطق مــرزی و ۸ روز مرخصی، بعــداز از دواج و بعداز حادثه، کمتر از خانواده دور شده است. یک هفته پس از انفجار همــه جانش لبریز از

در ســالهای اول مجاب کــردن خانواده برای

ترس بود اما بعد دوباره برایش عادی شــد. حالاً هم کــه در پروژههایی کار می کنــد که دیگر در ســمت تخریبُ چی نیســت، گاهی دلش هوای کاوش و پاکسازی می کند. پوتین های ضد مین

۱۶۰۰مین را از یک نوار مین جمع کردیم. البته گاهی پیش می آمد کـه در ۲۰ روز بیش از ۱۰، ۱۵مین پیدانمی شد.»

سی اراول به صورت دستی جمع می کنند و بعد با ماشین کوبش زمین را می کوبند تا اگر ت. می گوید در استاندار دهای پاکسازی تأکید شدہ کہ ۲۴ ساعت پس از پاکسازی هیچ تضمینی برای پاکی صددرصدی وجود ندارد، حالا چه برسد به این که ۲۰سال زمان بر این

۔ می گویدزمینِهای کشاورزیزیادی پاکسازی شده، همین طور میدان های نفتی مثل میدان آذر. «عملیات عاشـورای دو در این میدان انجام ادر. عصمیت هستورای دو در این میدان هجم شد. ۲۴ مرداد ۶۴ نیروهای عراقی در این منطقه سده ۱۱ موسی کرونی در این معققه م عقب نشینی کر دندومین های زیادی کاشتندمی شنیده امهیشترین مین را در زمین های حاصلخیز کشاورزی ومیادین مین کار گذاشتند.» هنوز خیلی از همشهری هایش تصور در ستی از

ین کار ندارند. خیلی ها هنوز فکر می کنند شغل

پاكسازىمىن،فقطشغلنظامىھااست. «در زمان از دواج در یکی از پروژههای نفتی کار ــتگانُ و قديمُى هــاى ارتش و ســ

بس در این محموده ی ویستان حرور رسی روز رستان که سرتیم راضی است اما کستانی رامی شناسد که سرتیم -- تخریب هستند و حداکثر محمود می گویداز حقوق یکمیلیسون و هفتصد هزار تومان حقوق می گیرند تــا بــر خطرناک تریــن و زندگی اش راضی است اما کسانی را می شناسد میدانهای مینن قدم بگذارند تخریبچیهایی هم می شناسد که ماهانه و هفتصدهزار تومان حقوق می گیرند تا بر ۳۰ کی یکمیلیون و دویستهزار تومان درآمد دارند، «کمتر خطرناک ترین میدان های از یک کار گرساده». مین قدم بگذارند

. محمــُودُ از همــکاران شهیدش یاد می کند: ر موسی سبزواری، لیسانس شیمی داشت وابوذر لیسانس عمران. بزرگترین دردم وقتی است که

وُ تجربههایی هم از آموزش بچهها دارد. «سال ۸۴ دریکی از پروژهها مسئول آموزش مردم لدمورفتم كهبه عشاير خُطر مين را گوشزد کنم. یک روز درحال آموزش بودم که در میاُن کُودکانی که نُشُستُه بودندیکی که کوچکترُ از همه بود گفــت آقا من یک گلولهای یک جایی ر با کردهام گفتم باشید بعداز کلاس میرویم آنجا کهنشیانم بدهی گفت نه آقانزدیک است و یک دفعه بلند شــد و راه افتاد. پشــ ۔ نویدم. رسید یک جایی نزدیک سیاہ چادرشان، ہشت یک بوته یک گلوله ۱۰۶ بود.سریع پسر ک

ری دری دری دریات می سسیده و به عیست بیرو به مدرسه می رود. او نمی تواند به صفحه سفید کتاب و دفتر مدرسه نگاه کنید. دانش آموزان روستای نشکاش هم هنوز در راه بیمارستانهای تهران هستند. زخم چشم و صورت سیناً و آلا و تر کشهای بدن خبات، متین، بهنوش و زانا یاداً ور انفجار دوسال پیش است. پدر «گشـین» برای پروتز پای دخترش تلاش می کند. گشین روزها پشت پنجره مینشیند و با کبکهای توی حیاط حرف می زند.

دریک اتاق تاریک مینشسیند و با عینسک تیره به مجروح شد. در منطقه سه تپان سومار هم پنج مین مجروح شد. در منطقه سه تپان سومار هم پنج مأمور هنگ مرزی به شهادت رسیدند. یک روز قبل

آمار قرباتيان مين در سال ٩٣ منبع: سايت ايران بدون مين					
شهروند	نظامى	مينروب	تعدادكل	وين	
PPP	5	11"	۵۲	مجروح	
17	r	1	۱۵	كشته	
۴۵	٨	114	5 V	جمع	

ı		1 -			
تلفات مردمی ناشی از انفجار مین و مهمات باقی مانده از جنگ از سال ۶۷ تا ۹					
مجروح	کشته	استان			
599	Р 5А	كردستان			
A5 F	khA	فوزستان			
l dhh	9 910	كرمانشاه			
۵۳۶	27 27 27 27 27 27 27 27	ايلام			



ولباس می پوشد چرخی کنار دوستانس می زند و برمی گردد. «دریک میدان مین در طول چهار روز

زمینهاگذشته.

می کرده. وقتی خانواده همســرم در مورد کارم تحقیق و بررسی کردندبه این نتیجه رسیدند که کارمندشرکت نفت هستم. همه هنوز می پرسند مگر کار پاکسازی راار تشوسپاه انجام نمی دهند. نرست است که بسیاری از مدیران شرکتهای يمانكار كه كار رابراى وزارت دفاع أنجام مىدهند ر بررسست، وحییهی میرس و سپت هستند، ولی نیروهایی که برای این شرکتها کار می کنند قراردادی هستند و بیمه شان کار گری است. یعنی با این همه استرس و خطر شغل ما هنوزدر شمار مشاغل سخت وزیان آور نیست.» محمودمی گویداز حقوق و زندگیاش

که سرتیم تخریب هستند و حداکثر یکمیلیون

" میشنوم شهروندانی مثل کودکان کنجان جم روی مین رفتهاند با خودم می گویم اینها گناهی نک دماند.»

" راگرفتم که دســت نزند.اگــراین گلوله منفجر میشد..»